

اقتصاد

- ۱- گزینه «۲» - علم اقتصاد، علم انتخاب است، پس در هر انتخاب باید حواسمان به (۱) کمیابی منابع، (۲) هزینه فرصت، (۳) قید بودجه، (۴) مقایسه بین هزینه‌ها و منافع باشد.
- * توجه کنید! هزینه‌های هدر رفته نباید تأثیری در انتخاب و تصمیم شما داشته باشد، زیرا اجتناب‌ناپذیرند.
- (گلیبگانی) (اصول انتخاب درست - اقتصاد و مسئله انتخاب) (آسان)
- ۲- گزینه «۲» - ابتدا درآمد را محاسبه کنید:

کالاهای تولید و فروخته شده \times قیمت هر واحد = درآمد

$$30000 \times 60,000 = 1,800,000,000 \text{ تومان}$$

سپس هزینه‌ها را محاسبه کنید، (حواستان به تبدیل ماه به سال باشد، چون سود (یا زیان) سالانه را خواسته)

$$\text{هزینه مواد خام در سال} \quad \text{تومان} \quad 18,000,000 \times 12 \text{ ماه} = 216,000,000$$

$$\text{حقوق سالانه کارگران} \quad \text{تومان} \quad 2,500,000 \times 12 \text{ ماه} \times 13 \text{ کارگر} = 390,000,000$$

$$\text{هزینه‌های جانبی} \quad \text{تومان} \quad \frac{40}{100} (216,000,000) = 86,400,000$$

$$\text{هزینه فرصت} \quad \text{تومان} \quad 20,000,000 \times 12 \text{ ماه} = 240,000,000$$

مجموع هزینه‌ها \Rightarrow هزینه فرصت + هزینه‌های جانبی + هزینه تعمیر و جایگزینی ماشین‌آلات + حقوق کارگران + هزینه مواد خام و اولیه

$$216,000,000 + 390,000,000 + 20,000,000 + 86,400,000 + 240,000,000 = 1,133,000,000 \text{ تومان}$$

هزینه‌ها - درآمد = سود (یا زیان)

$$1,800,000,000 - 1,133,000,000 = 667,000,000 \text{ سود تومان}$$

- از آن جا که درآمد بیش تر از هزینه‌ها است، پس سود داریم.

* دقت کنید برای این که سود دقیق تری به دست بیاوریم، باید هزینه‌های پنهان یا همان هزینه فرصت را در نظر بگیریم.

(گلیبگانی) (اصول انتخاب درست - اقتصاد و مسئله انتخاب) (متوسط)

۳- گزینه «۳» - بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»:

$$\text{سود کاشت جو} \quad \text{تومان} \quad 700,000,000 \leftarrow \checkmark \text{ انتخاب شخص}$$

$$\text{سود کاشت گندم} \quad \text{تومان} \quad 600,000,000 = 50,000,000 \times 12 \text{ ماه} \checkmark \text{ هزینه فرصت}$$

$$\text{سود کاشت سیب} \quad \text{تومان} \quad 168,000,000 = \text{تومان (قیمت)} \times 11,000 \text{ کیلو (مقدار)} \times 8000$$

گزینه «۱» صحیح است.

گزینه «۲»: انتخاب شخص

$$\text{(۱) پذیرش ۵ موکل} \leftarrow \text{سود} \quad \text{تومان} \quad 1,500,000 = 5 \times 300,000 \text{ حقوق دستیار} \times 100,000 \text{ تومان}$$

سود خالص شخص ۱,۴۰۰

$$\text{(۲) پذیرش ۴ موکل} \leftarrow \text{سود} \quad 4 \times 300,000 = 1,200,000$$

عدم استخدام دستیار، انتخابی غیرمنطقی است، پس انتخاب مورد اول بهتر است و هزینه فرصت او در این شرایط کم تر است، گزینه «۲» صحیح است.

گزینه «۳»: پولی که بابت رفتن به تئاتر پرداخته است، هزینه هدر رفته است که اکنون دیگر اجتناب‌ناپذیر است و قابل برگشت نیست و هزینه فرصت او گیم ننی است که از رفتن به آن صرف نظر کرده است، پس گزینه «۳» غلط است.

$$\text{گزینه «۴»: (۱) رفتن به سر بازی} \leftarrow \text{درآمد سالانه} \quad \text{تومان} \quad 120,000,000 = 10,000,000 \times 12 \text{ ماه}$$

(۲) اخذ مدرک کارشناسی ارشد \leftarrow درآمد سالانه \leftarrow ۱۴۰ میلیون تومان در سال \checkmark هزینه فرصت، پس گزینه «۴» صحیح است.

(گلیبگانی) (اصول انتخاب درست - اقتصاد و مسئله انتخاب) (قانون دوم و چهارم) (دشوار)

۴- گزینه «۴» - الف) در برآورد و مقایسه میان هزینه‌ها و منافع، این‌که چه چیزی را هزینه و چه چیزی را منفعت به حساب بیاوریم وابسته به موقعیت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ما است.

ب) مقایسه منافع و هزینه‌ها بخشی از تصمیم‌گیری منطقی است، اما بهترین تصمیم به نوع رویکرد شما بستگی دارد.

(گلیپایگانی) (اصول انتخاب درست - اقتصاد و مسئله انتخاب (قانون پنجم)) (متوسط)

۵- گزینه «۴» - وقتی در زمینه‌های پرخطر، بدون آمادگی لازم سرمایه‌گذاری می‌کنیم، دچار خطای رایج اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن شده‌ایم. (گلیپایگانی) (اصول انتخاب درست - چرا برخی مردم تصمیمات غیرمنطقی می‌گیرند؟) (متوسط)

۶- گزینه «۱» - الف) مرز امکانات تولید، نشان‌دهنده حداکثر امکان تولید با منابع موجود است.

ب) اگر یک شرکت یا یک کشور، هر فرصتی را برای استفاده بهتر از منابع به کار گیرد و این تغییر باعث شود وضع دیگران بدتر شود (یا مقدار تولید کالای دیگر کاهش یابد)، اقتصاد آن شرکت یا کشور کارا است؛ یعنی شرکت یا کشور از منابع موجود خود، بیش‌ترین استفاده را می‌برد. (گزینه‌های «۱» و «۳» هر دو صحیح است). (گلیپایگانی) (مرز امکانات تولید - الگوی فرد امکانات تولید - کارایی و ناکارایی) (متوسط)

۷- گزینه «۳» - نقطه «ج» در زیر مرز امکانات تولید قرار دارد. این ناحیه نقطاتی است که تولید در آن ناکارا است. هر نقطه در زیر مرز امکانات تولید، نشان‌دهنده این است که اقتصاد از بیش‌ترین منافع استفاده نکرده است، زیرا حداقل مقدار بیش‌تری از یک کالا می‌توانست تولید کند، بدون این‌که کالاهای دیگر کاهش یافته یا حذف گردند.

* دقت کنید گزینه «۳» غلط است، زیرا نقاط خارج از مرز امکانات تولید با توجه به منابع و امکانات موجود قابل دسترسی نیستند و برای رسیدن به این نقاط باید منابع و امکانات را افزایش داد. (گلیپایگانی) (مرز امکانات تولید - کارایی و ناکارایی) (آسان)

۸- گزینه «۴» - الف) برای پیدا کردن مقدار تولید هر محصول باید خطی به محور مربوطه رسم کنید و عدد تولید در آن نقطه را پیدا کنید. برای پیدا کردن تعداد توپ تولید شده از نقطه «ب» خطی به محور عمودی وصل می‌کنیم و به عدد ۷۰۰ می‌رسیم و برای پیدا کردن تعداد عروسک تولید شده خطی به محور افقی عمود می‌کنیم و به عدد ۳۰۰ می‌رسیم. (گزینه‌های «۳» و «۴» هر دو صحیح است).

ب) نقاط روی منحنی مرز امکانات تولید، نقاط کارا هستند. (گزینه‌های «۲» و «۴» هر دو صحیح هستند).

(گلیپایگانی) (مرز امکانات تولید - کارایی و ناکارایی) (آسان)

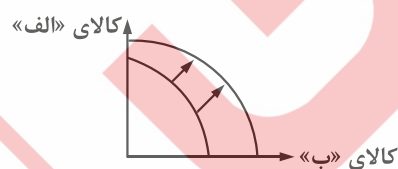
۹- گزینه «۱» - در نقطه «الف» صفر سطل ماست و ۸۰۰ عدد بستنی تولید می‌کنیم. در نقطه «ج» ۵۵۰ سطل ماست و ۳۰۰ عدد بستنی تولید می‌کنیم. با حرکت از نقطه «الف» به «ج» در ازای تولید ۵۵۰ سطل ماست، از تولید ۵۰۰ عدد بستنی چشم‌پوشی می‌کنیم.

ب) چون گفته اولویت با تولید ماست است، اما در جامعه هر دو کالا باید تولید شود، پس نقطه «ج» با مختصات ۵۵۰ سطل ماست و ۳۰۰ عدد بستنی را انتخاب می‌کنیم، اگر فقط تولید ماست تولید می‌کردیم، آن‌گاه باید نقطه «ج» را انتخاب می‌کردیم با مختصات ۶۵۰ سطل ماست و صفر عدد بستنی.

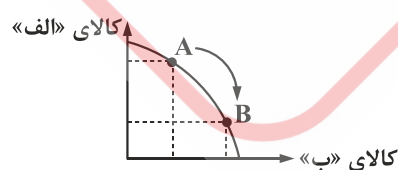
پ) نقاط خارج از مرز امکانات تولید با منابع و امکانات موجود غیرقابل دستیابی هستند.

(گلیپایگانی) (مرز امکانات تولید - الگوی مرز امکانات تولید) (دشوار)

۱۰- گزینه «۲» - الف) با افزایش عوامل تولید که در این‌جا سرمایه‌فیزیکی است، منحنی مرز امکانات تولید به سمت راست و بالا انتقال می‌یابد.



ب) تغییر در میزان تولید هر یک از کالاها باعث جابه‌جایی در طول منحنی مرز امکانات تولید می‌شود.



(گلیپایگانی) (مرز امکانات تولید - کارایی و ناکارایی) (متوسط)